



# نمایر از محل شورای ملی

جلد ۴۸

صورت مهر و مذاکرات مجلس روز پنجشنبه  
هشتم مهر ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب :

۱. تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از مذکور آقای ارباب - شوستری - دکتر جازیری
- ۳- فرایت گزارش شعبه پنجم دائر بانتقاد ارامنه جنوب و نایابندگی آقای بهرام سراجیان
- ۴- تقدیم يك فقره سوال از طرف آقای صیدی نوری
- ۵- بیان مذکور در گزارش کیمیون امور استخدام راجع بازگشت کسانی که در دروات سابق بازنشسته شدهاند به خدمت
- ۶- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر برای است آقای  
رضای حکمت تشکیل گردید

- (۱). تصویب صورت مجلس
- دعاون میعنی زاده - کیکاووس - سنتنجه  
دولت‌نشانی - گیو - بوداگیان - نرانی  
دیر آمد کان و وزورده - کان بای اجازه  
آقایان - امیر تیمور کلانی ۱۵ دقیقه دکتر  
(شرح ذیل فرایت شد )
- غایابی از احراز - آقایان - عرب شیبانی - حائزی زاده  
امامی - حشمتی - بیان ماسکو - شفیعی  
خاکباز - بهادری - سلطان اسلامی - مشایخی  
علم - صدرزاده - مکرم - بور بور - مهدوی  
میر اشرافی - عرب شیبانی - حائزی زاده  
کاشانی - اکبر - مهدوی - بیانی  
اورنک - مصطفی ذوالقدری - مقتال الداعی  
سلطانی - عبد الرحمن فرامرزی - اسکندری  
غایبین بی اجازه آقایان - اربی - ترتیبی  
کدیبور - مهدوی مذکور آقایان - سالاری زاده  
فریده اراکی - تفات - دکتر سمید حکمت

من مذاکرات مشروع جمهور منتسب چله از دوره هجدهم قانونکاری

ناؤانی و نارانه دهنی کرده و غرق کلمه انسان را  
بکفر می کشند و آنها بین اینجا و موند غرق فقر نیست آفای  
غولادونه متوجه باشد هشت دوست اینجا  
متوجه شود تمامان این را قبول کردند همانکه  
دین اسلام از مردم را نظر چهل فقر اخلاقی  
نهانی که از مردم از نظر چهل فقر اخلاقی  
داشته اند باشد پویا مجازات شوند جدا  
تر خواهیم گذشت و بخش رادر جرمی آنها ضر  
هدایتیم آشیان آنها مضر به مملکت است  
اگر این مرتبه یکی از اینها بجهد بدانید  
مابین دیگر نیتوایم این مملکت را دارد  
کنیم (برو و مند اینها مرتد) (سرمه کشم  
کرده راهی بیفرمائید ریز بان) موضوع  
دیگری که می بخواهم هر سکم من خیلی  
از امور را بازیان خارجی نهادن و خود را  
وارد در امور که اهلش نیست نیکتمولی  
از نظر علاوه به مملکت آن اموری که  
تاس و اصطلاحات دارد با اینجا معموم و اصلاحات  
جامعه بی او می برو من از از از از از از از  
دولت حاضر و از تسلیم شد، ها و بیت  
کرده های شاهنشاه هست از اینجا می کویم  
که بکوش اعلیحضرت هما و بیوی برسد من  
بامحمد و ما شاه بیت کردم و چون بیت  
کرده اهل بیت شکنن نیست همچقدر  
مضنه ای ساد کند (میر ارشادی، آقای خوشزی  
شجاعی ای  
دوست و بیان ای  
اگر مصلحت شر  
تیغه ای  
مقدس ای  
آدم ای استاد بیت شکنن نیست همچقدر  
در جزا اول ورقی که تخت تعقیب فراز نگیرند  
کار باشند ای  
هم شویق بشونه جناب آقای ارسلان  
خانمیتی در بروز فرماده بمندن حریق  
اژ او را تهدید کردم اما تهدید من  
میباشیم بوده بوده ایشان که ایشان  
که دور تشویش کردند ایشان که ایشان  
مادی بوده است با این نظر غمی بوده (کنز  
عمل معنوی بوده) اینطور بوده یعنی  
من این شطرور نیکم کنیم و بکدام قدر ای صورت  
را خواندم آقایان شما را بخدا باید  
رسیدگی کنید تمام اینها که گرفته اند  
هم آها حقوق های خوب میگرفته اند بله  
سر و ماه ۱۷۰۰ هزار و هشتاد و نه  
میگفتند یک باز همیطون هابوده بیس از  
نظر مادی بیوده باشد و دیه را بیدا کنید  
رویه دو چیز است یکی بی دینی که ما  
دین داری داشتیم نیکیم و بجه همان  
وا تر غیب نیکیم مقدمات دین و ایمان را  
در قلب آنها مرسم نیکیم مجازات ای  
کنیم (صیحیجاست) (حدیثیتیار شویق  
هم نیکیم) تشویق هم البته صیحت  
آقای بختیار و علی خدامیاند آدم فقیر اکر  
دین داشته باشد با منع فیض و مسابق یک قبید  
بود دست نداده اهل سنت و جماعت بود  
این مهربه مین، بقدر بعثات خود  
گاهی نان میگرفتم اذیخیزی با او میدادم  
گاهی دهشانی یکرانی باو یول میدادم  
یکگزون رفته بود در کان توتوون فروش  
حاج جیار زنجانی که نسبت من اظهار  
خصوصی میگرد کاری داشتم آجی اشانته  
در ازور من جیزه ای راچهارماه قبل فیمه  
و بعضی شیوه زاهدی هر کردم آقا  
هزاری همیزی دوین است البته من شاید آنقدر  
مطلع بوده باش کفشنون و حکومت نظامی  
شام میگذرد اینها ماقبل دست داشته  
دیده که بیع  
چون ناقص  
باز فردات  
نود را تمام  
برای عدم  
باتی کوایع  
برای جلات  
آنایان می-  
من الرحیم  
آن خاموشی  
بدیر نیست  
کلمه از  
نیکم همراه  
رات مرده  
نام سیاسی  
پیکرداد  
دچون چند  
نام چالو  
د از واقعه  
مه معبوب  
ای مملکت  
ر مختاره  
موده بیش  
ای نقلی  
ای بق خدا  
الب مفتر  
ل اعاف را  
ر قیم کنار  
اقمی بود  
زیر سرش  
از واقعه  
آن اشیاه  
جنی روی  
د حمامه  
دیزیر اراد  
روزهان  
دند روی  
بودند و  
با خوده  
رت و پریتها  
رامیزات  
دانشگاه  
آماده باید  
ر ادی که  
از خارجی  
بنیت چون  
ایمان  
گمینیست  
آلت  
مجازات  
نمیشند

وقت گرفته شود  
 از پلهه - بس اجازه -  
 دلیله و دیگر بیانات تمام میشود  
 مانده است  
 رفیق - نافس مانه  
 نام بفرمایند و دنباله صحبت کنید.  
 از ایاب - بندے آقایان  
 شد در امور اقتصادی از جنایت  
 شد، هر اینچی دارم بازه، آقایان  
 بعد نیت نام مو کنم و مصنه  
 شو (احست)  
 رفیق - آقای شوشری  
**شوشری** - سمه الار  
 دوچیز طرف مغل است دفر و پرس  
 بوقت گفتن و گفتن بود  
 اختباش سیاسی جبران  
 آقایان خانه نمک معمتم این  
 من نیست تمام از دین بسیار است  
 در دنیا میدانند بدل امور  
 باوقاتها توکی که حرف سیاسی  
 بعمل آیدا کریکر کروز از موقع  
 آسان آن موضع بفرمایند  
 چیز ایجاب میکرد و الان نیز  
 در این و تصریح این که بکنم  
 باوقاتها توکی که حرف سیاسی  
 بعمل آیدا کریکر کروز از موقع  
 آن طبقه دیگر گیرنده اکریکووهد بکرید  
 ظلم بالا سوی عدل است حالا کدو دلت درونظر  
 دارد و در چنین محل بکند از اینها ممکن است  
 شهریور متوجه شد و موضع  
 شب و روز سعی میکرد در آیا  
 خدا میداند و شاهد است من د  
 بودم در زمان او ولی این سید  
 خدمت او که بارا سوالت شد بر  
 کرد که تو قی آن نقلرا کرد بده  
 بی اختیار گریست و برای اوط  
 کردم گفت و قی که صحیح رفته  
 از روی ایشان کارزار دید و قی  
 جنازه آن مرحوم که ایرانی  
 دیدیم یاک سکسی خان ایران  
 است و هر شب آن امیرپرسید پس  
 شهریور ۲۰ یاک شاثیان کردیم  
 این بود که و قی که شدن ا  
 بیانی مرخوم محمدی فروز  
 هیله سب و شوشن اجنین خاک و خاک  
 خالی کرد حق من هنود که همان  
 بودند بسلامت است ایوان و آن ج  
 همان ساعت اشتباه کردیم که آنها  
 نکردم اشتباه دوم بیزد و اتفاق  
 اتفاق شد که آن نوتو موقع دست  
 بیکردم حقیقت را میگفتند این  
 مسبب بودند بندیارو یاک نکرید  
 کفره بنده تا کسی بیدن بنیاد  
 نداشته باشد با خدا دارد اکر  
 ملاون باشدت با خدا دارد اکر  
 دست بدست نکرده بوده آنها  
 میکرده بایز دهار مضمون  
 رفیق - عده کافی نیست که برای تجدید  
 از ایاب - ده دفعه وقت میخواهم  
 رفیق - آقای ادب و وقت جنابی  
 تمام شد

در بازار ۱۳۵۰۰ ریال بلکه یک  
 جیزی ملاو بیول قدیکرنه (صفاری) اینها  
 صرف سرمایه کردند (ما حاضریم هم  
 سرمایشان را بسیم و امانتشان را نهادیم  
 جنابی عالی کشتم بالا صافی هستد هر وقت  
 نهایی هرچه فضایت کرد بینه اطاعت میکنم اما  
 در مجلس از نظر حفظ حقوق موکلین این  
 فرمایشات را میکنم به یک کالانی و موجبات  
 در گیلان نیستند در بینه بسی هم مستند  
 در راه اهدان هم مستند در فارس هم مستند  
 خوانده اصل قانون اساسی را نهاده هم و کن  
 آقایم است بندجای این هر استان کان جای را  
 در ایلان گرانتر بخورد که کیم کسی میبلادرز  
 بشود این صیغه بست (صفاری) چای داخلی  
 میبل فرمایند از این است (چای داخلی را  
 هم طوری کرد ام که نمیشود خود بند  
 اختباش این است که باید بتویه داخلی آن  
 کم کرد ولی مردم کلوبی ۲۰ ریال من  
 دهنده برای حیات از تولی پیشتر بندیده  
 کلوبی ۴۰ ریال باید بندیده ۴۰۰۰۰۰  
 ریالی هم که مجدد و وضع شده این را  
 آن طبقه دیگر گیرنده اکریکووهد بکرید  
 ظلم بالا سوی عدل است حالا کدو دلت درونظر  
 دارد و در چنین محل بکند از اینها ممکن است  
 (مهندش گرفروزی) - پس شاعرالدولی  
 هر چشم کنم بندے یاک روزی آدمین این را از  
 پیک گلوبی ۲۰ ریال باشد فاجعه بود  
 فرمودند این کار نویسندگان خود خواهد شد  
 شدم اشتباه فرمایند بنده موافق دولت  
 هستم آقا انتقاد و تذکر غیر از مخالف است  
 انتقاد و تذکر غیر از مخالف است بند  
 موافق بکردند مملکت داری سمه بکرید  
 آقایان کارخانهات و نیز کی و پاند کی  
 هم قدر دارند که همچوی مقاصد  
 هستم موافق دولت من هم باید کفت آقایان  
 آقایان سهیق هستند کارهای بین زنین - دنبار  
 عوارض مهندیک حرفه ای که نسبت بسایر دولات  
 هستند باید از این دولت از نزد این دولت  
 هستم موافق دولت من هم باید کفت  
 هم قدر دارند که همچوی مقاصد  
 را آنها بکریدن (فقاری) - قابل مقایسه  
 نیزست (جواب باغه ای این مملکت هم  
 دارند (مهندش گرفروزی) - باید از نیزی  
 حایات کنید (کمیمه جو راهیان نایلون  
 را آنها بکرینه سکارخانه بلور هم حق  
 دارد تمام بلور آلات را بدهید آنها و بندو  
 ویکران هم بروم پند عراسی کشانه  
 رفته بکدام چایکار داده شد به کی  
 داده شده است اینطور مایلیت و ضعی میکند  
 و گئی نیزیست که جاست و بعلاوه اگر در  
 این موقع که ای مارسی بطور متوسط  
 کلوفی ۴۰ ریال شام حمامت کیم از حصول  
 کشند میتوانیم حمامت کیم و سرش را گاشته که  
 داشت دارد فدا کاری بکند برای ریشه  
 که که هم بتویله کنند کلوبی ۴۰ ریال بود  
 این مم کلوبی ۴۰ ریال از ازدواج اسکرین  
 این ایالاتین کمکی است که میکشند و دیگر  
 مفاسد و خوش بخت نیست اینها همچوی  
 سازی میکند برای مفاسد اینها همچوی  
 آنکه ندارند، یک فحصی که هم  
 کفره بنده این بند این بزرگ هستند که  
 آقایان تفاوت را که داده بکارخانهات  
 مطوفی دارند این سوالت دارم میخواهم و  
 بمن آقایان میسران، گریک کلوبی ۱۴  
 ریال میکند من انصصار کلوبی





دموشان کنید) (عبدالصاحب صفائی تصریح است) بقول میکنم چون صلاحیتش که در همان دستگاه اداری رسیدگی شود تابع حب و پنا براین در گلایات با هم موافق موافقی که پیشنهاد اصلاحی آقایان داده شد اگر پس مشود بنا بر این (عبدالصاحب صفائی) فاعل شدید (ضایا) ۸ ماه است که هر ض حاشان در دیوانکشور است آقای وزیر سرتیح حکم اشتغال نبیندهم این توضیح را در گذشتی پنجه این پسرمودن داشت عرض خواهم کرد (عبدالصاحب صفائی - انشاء الله تناقضی ندارد بلاده هر تناقضی که عب ندارد) .

**(۶- تعین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه)**

رئیس - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یک شنبه خواهد بود دستور دنباله این لایحه است که پیشنهاد کنایت مذکور کرات رسیده مطற خواهد شد و بعدم پیشنهادات قرائت خواهد شد (مجلس بیست و فیفم از شهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی.

**رضا حکمت**

نوری- ولی وزیر عدلیه اجرزا نمیکند) این اصول از اتفاقی که نسبت بتمام بار شستگان مسئله دومنی است با این توضیح که دادند فاعل شدید (ضایا) ۸ ماه است که هر ض حاشان در دیوانکشور است آقای وزیر دادگستری حکم اشتغال نبیندهم این توضیح آقای معافون وزارت دادگستری ماراقانی باشد بگردن بنده چون مل ندارم کنایش را بگردن آقای صفائی بیندازم (عبدالصاحب صفائی) - فرض میکنیم اگر در این کار کنایی باشد بگردن بنده مندد در حالا که اسکنتری آنها بداد گاه دیوانعالی کشور رفته اند بقیه هم بداد گاه بروند ولی حالا بوضع دیگری که آقای دکتر شاهکار فرمودند بنده متوجه شدم و معتقد شدم که این اشتباهی است کما کردیم و باید بر گردانیم آن موضوع صلاحیت است بنده این را تصدیق میکنم (احسن) بنده قبول میکنم و اصلاح باید بشود کموضع صلاحیت بنحو سب سب سلامت از ایشان شده بود خودشان بداد گاه عالی انظام از رفقه اند و بدین اعمالی کشور هم مراجعه کردند و تقاضای حکم کرده اند و حکم گرفته اند (عمیدی).